

پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله سید محمد حسین قزوینی



تعداد بازدید: 2627

تاریخ انتشار: ۳۰ مرداد ۱۳۸۹

کد مطلب: ۵۴۹۳

سخنرانی ها « شبکه ولایت

رحلت حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)

حبل المتین 89/05/30



0:00:00 / 1:57:20

لینک دانلود

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 30 / 05 / 89

آقای کاشانی

پیرامون حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)، بحث های زیادی در کتب مختلف ذکر شده است؛ شخصیت ایشان را توصیف کرده اند که چگونه بانویی بوده، وضعیت مالی ایشان و چگونگی گرایش او به اسلام؟، آیا قبل از ازدواج با پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) ازدواج کرده بود یا خیر؟، آیا فرزند داشته است؟ و بحث های دیگر.

اما سؤال ما این است که جایگاه شخصیتی حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) در مکتب وحی چگونه بود؟

استاد حسینی قزوینی

قبل از شروع سخن، سالگرد رحلت جانسوز بانوی بزرگ اسلام، أم المؤمنین حضرت خدیجه کبری

(سلام الله عليها) را به پیشگاه مقدس آقا حضرت ولي عصر (أرواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه مسلمانان و پویندگان راه حق و حقیقت و أهل بیت عصمت و طهارت (عليهم السلام) تسلیم عرض می کنم و خدا را به آبروی این بانوی بزرگ سوگند می دهم که پاداش ما را فرج مولای مان حضرت بقیه الله الأعظم (أرواحنا لتراب مقدمه الفداء) قرار بدهد إن شاء الله... .

البته در رابطه با حضرت خدیجه کبری (سلام الله عليها) ما باید چندین جلسه بحث کنیم، نه یک یا دو جلسه، تا بتوانیم حق مطلب را نسبت به این بانوی بزرگ و جایگاه این بانو را در مکتب وحی و خدمات ارزنده ای که این بزرگوار کرده اند و مظلومیت این بزرگوار را بیان کنیم.

معمولاً در رسانه های أهل سنت و وهابیت، اصلاً یادی از این بزرگوار نمی شود و باید اعتراف کنیم و عذر تقصیر به پیشگاه مقدس فرزند بزرگوارش حضرت ولي عصر (أرواحنا لتراب مقدمه الفداء) ببریم که ما هم نسبت به این بزرگوار کوتاه آمده ایم. ولی از باب این که «**ما لا یدرک کله، لا یترک کله**»، یک جلسه ای را به این بانوی بزرگوار اختصاص داده ایم و سؤالاتی پیرامون ایشان مطرح می شود تا بتوانیم ذره ای از دریا و اقیانوس مسئولیت مان را نسبت به أم المؤمنین حضرت خدیجه کبری (سلام الله عليها) آداء کنیم. إن شاء الله... اگر فرصتی شود که بخواهیم در رابطه با أم المؤمنین یا أمهات المؤمنین صحبت کنیم، نسبت به حضرت خدیجه کبری (سلام الله عليها) و سایر أمهات المؤمنین، أم سلمه و أم حبیبه و دیگر زنان پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله)، حتی حفصه و عایشه، جلساتی را در محضر بینندگان عزیز باشیم.

روایت اول:

در رابطه با جایگاه حضرت خدیجه کبری (سلام الله عليها)، روایتی را که مسلم نیشابوری در **صحیح مسلم** آورده است بیان می کنم که از ابو هریره نقل می کند که جبرئیل امین نزد پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) آمد و فرمود:

یا رسول الله! هذه خدیجة قد أتتک معها إناء فيه إدام أو طعام أو شراب.

يا رسول الله! اينك خديجه نزد تو مي آيد و با خود غذايي و طعامي براي تو مي آورد.

صحيح مسلم لمسلم النيسابوري، ج 7، ص 133، ح 6167 - صحيح البخاري لمحمد بن إسماعيل البخاري، ج 4، ص 231

آن روزهايي که نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) در کوه حراء بودند و در همان اوائل بعثت و در آن 3 سال، تنها کسي که با نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) مأنوس بود، أم المؤمنين حضرت خديجه کبري (سلام الله عليها) بود. حتي نقل کرده اند که در بعضي از روزها که نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) از ترس مشرکين، جاي خود را عوض مي کرد، حضرت خديجه کبري (سلام الله عليها) در يك دست کوزه اي از آب و در دست ديگر طعام داشت و در بالاي کوه، در ميان سنگلاخ ها، از اين سنگ به آن سنگ صدا مي زد:

حبيبي محمد! حبيبي محمد!

و وقتي نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) صداي حضرت خديجه کبري (سلام الله عليها) را مي شنويد، به ايشان پاسخ مي داد و حضرت خديجه کبري (سلام الله عليها) هم غذا و آب را براي ايشان مي آورد.

طبق نقل **صحيح مسلم**، روزي نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) با جبرئيل امين مشغول صحبت کردن و دريافت وحی بود که جبرئيل امين فرمود:

يا رسول الله! خديجه براي تو طعام مي آورد.

فإذا هي أتتك، فاقراً عليها السلام من ربها عز وجل و مني و بشرها بيت في الجنة من قصب لا صخب فيه و لا نصب.

وقتي آمد، از طرف پروردگارش به او سلام و درود برسان و از طرف من جبرئيل هم به او سلام برسان و به او بشارت بده که خداوند خانه اي در بهشت براي او مهيا کرده است از تارهاي طلايي که نه سر و صدايي و نه مشکلاتي وجود دارد.

صحيح مسلم لمسلم النيسابوري، ج 7، ص 133، ح 6167 - صحيح البخاري لمحمد بن إسماعيل البخاري، ج 4، ص

روایات متعدد دیگری هم داریم که ابن حجر عسقلانی در کتاب **الإصابة في تمييز الصحابة، جلد 8،**

صفحه 101 و 102 روی این قضیه مانور می دهد که جبرئیل امین بشارت داد:

حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) می آید و وقتی رسید، پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود که این جبرئیل نزد من است.

در بعضی از روایات آمده است که حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) در وسط راه، جبرئیل را دید و ترسید و تصور کرد که از بعضی از مشرکین است که به قصد اذیت کردن پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) آمد، به کوه حراء آمده است و وقتی خدمت نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) آمد، هراسناک بود و قضیه را نقل کرد و نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) هم فرمود که نگران نباش:

هو جبريل و قد أمرني أن أقرأ عليك السلام و بشرها بيت في الجنة.

او جبرئیل بود و به من دستور داد که به تو سلام برسانم و به تو بشارت خانه ای در بهشت را بدهم.

روایت دوم:

هم چنین در روایت دیگری که آقای ابن عبد البر در کتاب **الإستيعاب في معرفة الأصحاب، جلد 4،**

صفحه 1822 نقل می کند، پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود:

أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد و مريم بنت عمران و آسیة بنت مزاحم امرأة فرعون.

بهترین زنان بهشت، 4 نفر هستند: خدیجه دختر خولید و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.

مسند احمد للإمام احمد بن حنبل، ج 1، ص 293 - المستدرک علی الصحیحین للحاکم النیشابوری، ج 2، ص 497 - فتح

الباری فی شرح صحیح البخاری لابن حجر العسقلانی، ج 6، ص 340 - مجمع الزوائد و منبع الفوائد للهیثمی، ج 9، ص

223 - تحفة الأحوذی للمبارکفوری، ج 10، ص 265 - السنن الکبری للنسائی، ج 5، ص 93 - مسند أبی یعلی، ج 5، ص

110 - صحیح ابن حبان، ج 15، ص 470 - المعجم الکبیر للطبرانی، ج 11، ص 266 - فیض القدیر شرح الجامع الصغیر

للمناوي، ج 2، ص 68 - تفسير القرطبي، ج 4، ص 83 - تفسير ابن كثير، ج 4، ص 420 - الدر المنثور لجلال الدين السيوطي، ج 6، ص 246 - فتح القدير للشوكاني، ج 5، ص 257 - تاريخ مدينة دمشق لابن عساکر، ج 70، ص 108 - تهذيب الكمال في أسماء الرجال للمزي، ج 35، ص 249 - سير أعلام النبلاء للذهبي، ج 2، ص 126 - تهذيب التهذيب لابن حجر العسقلاني، ج 12، ص 391 - تاريخ الإسلام للذهبي، ج 3، ص 46 - البداية و النهاية لابن كثير، ج 2، ص 72

روایت سوم:

يك روایت جالبی هست که از بینندگان عزیز تقاضا دارم که به این روایت توجه کنند. آقا رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) نقل مي کند:

قال آدم عليه السلام: مما فضل الله به إبنی عليّ أن زوجته خديجة كانت عوناً له علي تبليغ أمر الله عز وجل و أن زوجتي كانت عوناً لي علي المعصية.

روزي حضرت آدم (عليه السلام) فرمود: يکي از فضيلت هايي که فرزندم محمد دارد و برتري او را بر من نشان مي دهد، اين است که همسر او در تبليغ امر إلهي ياور او بود و همسر من هم ياور من بود در خطا و معصيت.

عمدة القاري شرح صحيح البخاري للعيني، ج 1، ص 63 - الذرية الطاهرة للدولابي، ص 62 - الدر المنثور لجلال الدين السيوطي، ج 1، ص 54 - سبل الهدى و الرشاد للصالحى الشامى، ج 10، ص 324 - كنز العمال للمتقى الهندي، ج 11، ص 413 - تاريخ بغداد للخطيب البغدادي، ج 4، ص 101 - تاريخ مدينة دمشق لابن عساکر، ج 69، ص 108 - ميزان الاعتدال للذهبي، ج 4، ص 60 - لسان الميزان لابن حجر العسقلاني، ج 5، ص 418

البته ما کاري به صحت و سقم این روایت نداریم و آقایان أهل سنت این روایات را در معتبرترین کتاب هاي شان نقل کرده اند.

من از بینندگان عزیز تقاضا دارم که به این نکته توجه کنند که بعضي ها با ما تماس مي گیرند که بعضي از آدرس هايي که ما مي دهيم را نمي توانند پیدا کنند و حتي بعضي ها تصور مي کنند که ما به اشتباه و دروغ آدرس مي دهيم. بنده با این که الآن تصویر کتابخانه ام را مي بینید، در این کتابخانه ام حدود 35 هزار جلد کتاب دارم، ولي از این کتاب هاي کتابخانه ام آدرس نمي دهم. چون این کتاب ها در اختیار من هست و شاید عزيزاني که در کشورها و شهرهاي ديگر هستند، حتي در

شهر قم، کتابی را با چاپ دیگر داشته باشند. من مقید هستم آدرس هایی که می دهم، از نرم افزارهای شیعه و سنی آدرس بدهم. معمولاً هم آدرس هایی که می دهم، از برنامه نرم افزار **مکتبه اهل البيت (عليهم السلام)** است که دفتر حضرت آیت ا... العظمي گلپایگانی (ره) و دفتر حضرت آیت ا... العظمي سیستانی این برنامه را نوشته اند و به نظر من هم این نرم افزار، بهترین نرم افزار و سریع ترین نرم افزار در جستجو در حوزه نرم افزارهای اسلامی است و حدود 5 هزار جلد کتاب از کتاب های تاریخی، تفسیری، کلامی، روایی و لغت شیعه و سنی را در خود گنجانده است. از نرم افزار های اهل سنت هم از 2 برنامه استفاده می کنم؛ **الجامع الكبير** و **مکتبه الشاملة**. لذا اگر آدرس هایی را که ما دادیم و به این نرم افزارها مراجعه کردند و در آن نیافتند، بنده حاضر هستم جایزه بدهم. اگر آدرسی را شخصاً ندیده باشم، در اینجا نقل نمی کنم و از چند آدرسی که می دهم، اضافه بر آدرس هایی که دوستان مان در مؤسسه کار کرده اند، حداقل 3، 4 مورد را شخصاً خودم می بینم. لذا ما ملتزم هستیم که مطلبی را به دروغ در اینجا نقل نکنیم. من تقاضا دارم که عزیزان بروند به آدرس هایی که بنده می دهم، مراجعه کنند و اگر خلاف اینها را یافتند، یا بیابند رسماً در برنامه ای که ما داریم، اعلام کنند و اگر برای ما ثابت شده که واقعاً اشتباه بوده است، ما معصوم نیستیم و ادعای عصمت هم نداریم و اصلاح می کنیم و عذرخواهیم می کنیم. یا دوستان از طریق ایمیل **velayattv@yahoo.com** که برای این برنامه قرار داده ایم، مطالب خود را به اطلاع ما برسانند و ما هم بلافاصله سؤال و پیام تان را دریافت می کنیم و جدای از سؤالات تلفنی، تلاش می کنیم به سؤالات اینترنتی هم جواب بدهیم. البته عزیزان می توانند بعداً سؤالات شان را به این ایمیل ارسال کنند و ما در فرصتی که میان 2 برنامه داریم، این سؤالات را نگاه می کنیم و اهمّ سؤالاتی که فایده ای برای عموم دارند را در اینجا مطرح می کنیم.

* * * * *

آقای کاشانی

برخی فکر می کنند که خدمات حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) به اسلام، فقط مالی بوده است. سؤال من این است که کمک های حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) در پیشبرد و پیشرفت اسلام از چه جنبه هایی بوده است؟ آیا فقط جنبه مادی بود؟

استاد حسینی قزوینی

بینندگان عزیز دقت کنند که خود گذشتن از مال، کار کوچکی نیست و خیلی سخت است. حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) با این که یکی از ثروتمند ترین زنان عصر خویش بود و خواستگاران متعددی داشت، ولی به همه جواب رد داد و با نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) ازدواج کرد. حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) تمام دارایی خودش را برای پیشرفت و پیشبرد اسلام و کمک به مسلمانان، در اختیار نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) قرار داد. به طوری که مورخین نوشته اند که حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) در هنگام رحلتش، حتی کفن هم برای خودش نداشت!

سیره ابن هشام، ج 1، ص 426

این خیلی عجیب و دردآور است! واقعاً این قدر ایثار و این همه از خودگذشتگی؟! مضافاً که حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) با قدرت و نفوذ و محبوبیتی که در میان مردم داشت، يك ياور صادق و باوفای پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) بود و با رحلت حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)، اگر جسارت نباشد، کمر پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) خم شد. رحلت حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) و حضرت أبو طالب (علیه السلام)، واقعاً دو مصیبت جانکاه برای نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) بود. حتی در بعضی از کتاب ها آمده است و علامه سید جعفر مرتضی (ره) این تعبیر را نقل می کند در **الصحيح في سيرة النبي الأعظم، جلد 3، صفحه 198** و می گوید:

إن الإسلام قد قام بسيف علي و بأموال خديجة.

پرچم اسلام به وسیله 2 چیز برافراشته شد: شمشیر علی و اموال خدیجه.

در آن دورانی که تمام مردم، جز تعداد انگشت شماری که اطراف پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) بودند، پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) را رها کرده بودند، حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) با تمام توان و محبوبیت و قدرتی که داشت، از نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) دفاع کرد. زنان قریش هم حداکثر شماتت‌ها را نسبت به حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) داشتند و طعنه‌ها زدند و اذیت و آزارها کردند و رابطه را به طور کلی با حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) قطع کردند؛ ولی حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) هیچ وجه برای اینها ارزشی قائل نشد. حتی در کتاب‌های متعدد شیعه و سنی آمده است که خداوند به خاطر دل‌داری حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)، زنانی از بهشت را برای وضع حمل حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) آورد.

اگر بخواهیم حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) را در يك جمله معرفی کنیم، باید بگوییم که حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) یاور و همکار مخلص و صدیق نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) بود در تمام مدتی که در کنار نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) بود؛ با جان و مال و آبرویش.

آنچه که برای پیشرفت اسلام مطرح بود، حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) کوتاهی نکرد. از میان زنان، اولین کسی که به پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) اسلام می‌آورد، حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) بود. تنها زنی که در بیت الله الحرام پشت سر پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) نماز خواند، حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) بود؛ آن هم با وضع آن چنانی آن زمان در میان قریش که بردن نام پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) جرم بود. یعنی هم قولاً و هم فعلاً و هم عملاً و مالاً و نفساً، همکار پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) بوده است.

* * * * *

آقای کاشانی

آیا حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) قبل از ازدواج با پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) ازدواج

کرده بودند و فرزندی داشتند؟ پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) از حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) چند فرزند داشتند؟

استاد حسینی قزوینی

ما این موضوع را در بعضی از ماهواره ها که برنامه هایی داشتیم، از کتب شیعه و سنی ثابت کرده ایم که حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) باکره بود و زمانی که با پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) ازدواج کرد، دختر بودند و با هیچ مردی ازدواج نکرده بودند و این که در بعضی از ماهواره ها می آورند که بیوه بوده است، محلی از اعراب ندارند و می خواهند فضیلتی برای عایشه درست کنند که تنها زن باکره ای که با پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) ازدواج کرد، عایشه بود. اینها همه اش حرف است و اگر لازم باشد، بحث خواهیم کرد.

نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) چندین فرزند داشتند از حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)؛ 1 پسر و 4 دختر. نام پسرش قاسم بود. البته برخی طیب و طاهر را هم اضافه کرده اند و برخی هم می گویند که طیب و طاهر، لقب قاسم و ابراهیم (فرزند ماریه قبطیه) است. بنده خودم که به قبرستان حضرت أبو طالب (علیه السلام) رفتم، قبر طاهر و طیب و قاسم از هم جداست و قبر ابراهیم هم در مدینه است. قبرستان حضرت أبو طالب (علیه السلام) تقریباً نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) است.

ما تقریباً 3 سال قبل که در نیمه ماه رمضان در مکه بودیم، جناب بن علوي مالکي، رهبر صوفي هاي عربستان سعودي و از شخصیت های برجسته ضد وهابی - که بن باز هم حکم اعدام ایشان را صادر کرده بود و ملک فهد لغو کرد - از دنیا رفت و همه دوستان هم مصر بودند که چون ایشان يك چهره ضد وهابی است و به شیعه هم نزدیک هستند، در تشییع جنازه اش شرکت کردیم و شاید بدون مبالغه، بیش از 30 هزار نفر در تشییع جنازه شرکت کرده بودند و می گفتند در این 200 سال اخیر، هم چنین تشییع جنازه ای در عربستان سعودي سابقه نداشت. وقتی به قبرستان حضرت أبو

طالب (عليه السلام) رفتيم، ديديم كه درب قبرستان باز است و تعدادي از آقاين اهل سنت كه مي شناختند قبر حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) كجاست، روي قبر رفته اند و با آن حضرت راز و نیاز مي كنند. ما هم سريع به آنجا رفتيم و حدود 10 دقيقه کنار قبر آن حضرت بوديم و شايد يكي از بهترين دوران عمرمان را در آنجا گذرانديم و بوي حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) را از قبر استشمام مي كرديم. مقداري هم از خاک قبر آن حضرت را برداشتم كه الآن هم در منزل دارم و إن شاء الله... اين خاک را در هنگام دفنم، در كفتم بگذارند تا مايه برکت باشد.

خلاصه اين كه قبر حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) در جلو است و مقداري جلوتر، قبر حضرت عبدالمطلب (عليه السلام) و حضرت أبو طالب (عليه السلام) بود و در ابتداء اين قبور هم قبر قاسم و طيب و طاهر بود.

از دختران هم رقيه و زينب و أم كلثوم و فاطمه از حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) بودند. البته بعضي از آقاين معتقدند كه رقيه و زينب كه زنان عثمان بودند، دختر هاله، خواهرزاده حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) بودند و دخترخوانده حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) مي شدند كه در خانه پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) بزرگ شدند و ربيبه پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) بودند.

آقاي علامه سيد جعفر مرتضي (ره) كتابي نوشته اند به نام **بنات النبي أم ربابه** و علامه مامقاني (ره) كه از استوانه هاي رجالي شيعه است، در كتاب **تنقيح المقال، جلد 3، صفحه 77** در اين زمينه مطالبه را مطرح کرده اند كه مي توانيد به آنها مراجعه كنيد.

* * * * *

آقاي كاشاني

حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) در هنگام مرگ شان وصيت هايي كردند. توضيح بفرماييد

که چه مطالبی را به پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمودند؟

استاد حسيني قزويني

يکي از چیزهایی که واقعاً برای من دردآور است و هر وقت آن را مطالعه می‌کنم، منقلب می‌شوم و اشک چشمم بی اختیار جاری می‌شود، همین موضوع است. حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) که احساس کرد مرگش فرا رسیده است، نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) را به کنارش فرا خواند و عرضه داشت:

يا رسول الله! من نکته اي را مي خواهم عرض کنم.

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمودند:

بفرمایید.

اولین جمله ای حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) فرمود، این بود:

يا رسول الله! اگر من در حق تو کوتاهی کرده ام، مرا عفو کن.

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) هم فرمود:

اي خدیجه! من از تو کوچک ترین قصوري ندیدم و تو تمام تلاش خود را در خدمت به من و اسلام به کار بردی و بسیار خسته شدی و تمام زندگی ات را خرج کردی.

دومین وصیت حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) این بود:

يا رسول الله! من از دنیا می‌روم، دخترم فاطمه، کودک است و دشمنی قریش با من و تو محرز است و می‌ترسم بعد از من، قریش، دخترم فاطمه را اذیت کنند. مراقب این دختر غریب و یتیم من باش که مبادا زنان قریش به او آزاری برسانند یا به صورتش سیلی بزنند و بر سرش فریاد بزنند و برخورد تندي نسبت به او داشته باشند.

سومین وصیت حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) هم این بود:

يا رسول الله! من خجالت می‌کشم که بگویم. اگر يك لحظه مرا با دخترم تنها بگذاری، او این

سخن را به شما می‌رساند.

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) هم چند لحظه ای بیرون رفت و حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) آمد و حضرت خدیجه کبری (سلام الله عليها) به ایشان فرمود:

برو به پدرت بگو: من از قبر هراسانم و از عذاب قبر وحشت دارم. اگر پدرت صلاح بداند، آن لباسی را که هنگام وحی بر تنش بود را به من بدهد تا من آن را کفن کنم.

من نمی‌دانم حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) که دختری کوچک بود، این وصیت مادرش را به چه زبانی به پدرش گفت؟ نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) خیلی متأثر شد و لباسی را که در هنگام وحی بر تنش بود را به حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) داد تا به مادرش بدهد.

جالب این که در کتاب **شجرة طوبی، جلد 2، صفحه 235** آمده است:

وقتی نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) خواست حضرت خدیجه کبری (سلام الله عليها) را غسل بدهد و کفن کند، جبرئیل نازل شد و گفت:

یا رسول الله! خدیجه تمام زندگی اش را وقف ما کرده و هستی خودش را برای ما مصرف کرده است. زینده است که کفن او را خودمان متقبل بشویم. این پارچه از پارچه های بهشتی است و خدیجه را در این پارچه ها کفن کن تا ما هم بتوانیم در برابر زحمات خدیجه، کوچک ترین چیزی هم داشته باشیم.

* * * * *

آقای کاشانی

آیا در تاریخ آمده است که بعد از وفات حضرت خدیجه کبری (سلام الله عليها)، عکس العمل حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) که دختری کوچک بود، چگونه بود؟

استاد حسینی قزوینی

این قضیه ای است که خیلی دردآور است! فاصله قبرستان حضرت أبو طالب (علیه السلام) با منزل پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله)، خیلی زیاد است و اگر کسی بخواهد الآن پیاده برود، به گمانم حدود نیم ساعت فاصله باشد. چون منزل حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) در کنار مسعی هست و قبرستان حضرت أبو طالب (علیه السلام) نزدیک پل جیحون.

حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) در تشییع جنازه مادرش نبودند. وقتی پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله)، حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) را دفن کردند و به خانه آمدند:

جعلت فاطمة (صلوات الله علیها) تلود برسول الله (صلي الله عليه و آله) و تدور حوله و تقول: يا أبة! أين أمي؟ قال: فنزل جبرئيل (عليه السلام) فقال له: ربك يأمرک أن تقرئ فاطمة السلام و تقول لها: إن أمك في بيت من قصب، كعابه من ذهب و عمدته ياقوت أحمر، بين آسیة و مریم بنت عمران، فقالت فاطمة (عليها السلام): إن الله هو السلام و منه السلام و إليه السلام.

فاطمه دامن پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) را گرفته بود و اطرافش پروانه وار می چرخید و می فرمود: ای پدرم! مادرم کجاست؟ ... جبرئیل بر پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) نازل شد و فرمود: خداوند به تو امر می کند که از طرف من به فاطمه سلام برسان و به او بگو: مادرت در بهشت، در قصری از طلا و یاقوت و مرجان است در کنار حضرت آسیه و مریم قرار گرفته است. فاطمه هم فرمود:

الأمالي للشيخ الطوسي، ص 175 - بحار الأنوار للعلامة المجلسي، ج 43، ص 28 - شجرة طوبى للشيخ محمد مهدي الحائري، ج 2، ص 235 - الجواهر السنية للحر العاملي، ص 264 - الخرائج و الجرائح لقطب الدين الراوندي، ج 2، ص

529

* * * * *

آقای کاشانی

حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) در چه سالی از دنیا رفتند؟

استاد حسيني قزويني

در رابطه با وفات حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها)، آنچه كه مشهور است، روز 10 ماه مبارك رمضان، در سال 10 بعثت و در سن 65 سالگي بوده است. البته خود آقايمان اهل سنت در اين مورد اختلافات زيادي دارند. اين را كه من عرض كردم، از آقاي ذهبي كه از استوانه هاي علمي و تاريخي اهل سنت است نقل كردم كه در **سير اعلام النبلاء، جلد 2، صفحه 112** اين مطلب را نقل مي كند. در بعضي از كتاب هاي ديگر هم آمده است كه وقتي شعب ابي طالب 3 سال طول كشيد، از سال 7 تا 10 بعثت، وقتي از شعب بيرون آمدند، تقريباً بعد از چند روز، حضرت ابو طالب (عليه السلام) از دنيا رفت و بعد هم حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) از دنيا رفت. ولي آنچه كه محرز است، اين است كه حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) در سال 10 بعثت، 3 سال قبل از هجرت پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله)، در سن 65 سالگي، در روز 10 ماه رمضان از دنيا رفت.

* * * * *

آقاي كاشاني

در كتاب هاي تاريخي زيادي آمده است كه پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) هر كجا كه مي نشستند و بلند مي شدند و به هر مناسبتي، يادي از حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) مي كردند؛ به حدّي كه حسادت خيلي ها برانگيخته مي شد. هم چنين در كتاب هاي ديگر آمده است كه پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) هميشه مي فرمودند كه اگر حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) بود، چنين و چنان مي شد و حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) بود كه چنين و چنان كرد. شايد خوش ترين روزهاي پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله)، همان روزهايي بود كه حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) زنده بودند.

ما در بعضي از منابع تاريخي ديده ايم كه برخي از همسران پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله)

حسادت و رشك مي ورزیدند که چرا پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) هر جا که مي نشیند و بلند مي شود، از حضرت خديجه کبري (سلام الله عليها) مي گوید؟

آیا در این زمینه، مطلبي در منابع اهل سنت آمده است؟ در برخي از مصادر شيعة و تاريخي آمده است که يکي از کسانی که حسادت مي ورزید، عايشه بود. آیا در مصادر اهل سنت هم آمده است که عايشه به مقام حضرت خديجه کبري (سلام الله عليها) حسادت کرده باشد؟

استاد حسيني قزويني

در این زمینه سخن خيلي زياد است و اگر بخواهيم وارد اين بحث شويم، بايد يك جلسه يك ساعته در مورد برخورد عايشه با حضرت خديجه کبري (سلام الله عليها) و اذيت هايي که در این زمینه متوجه نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) شد، بحث شود. ولي بينندگان عزيز را توجه مي دهم به کتاب **صحيح مسلم، جلد 7، صفحه 134، حديث 6171** که از قول خود عايشه نقل مي کند و مي گوید:

ما غرت علي امرأة ما غرت علي خديجة.

بر هيچ زني غيرت به خرج ندادم و حسادت نورزیدم، همانند غيرت و حسادتي که نسبت به خديجه ورزیدم.

و لقد هلكت قبل أن يتزوجني بثلاث سنين، لما كنت أسمعها يذكرها و لقد أمره ربه عز وجل ان يبشرها بيت من قصب في الجنة و إن كان ليذبح الشاة ثم يهديها إلي خلانها.

خديجه هلاک شد 3 سال قبل از اين که من ازدواج کنم. پیامبر (صلي الله عليه و سلم) همواره از خديجه ذکر خير مي کرد و خداوند به او بشارت داده که خديجه در بهشت، داراي قصري از طلاست و پیامبر (صلي الله عليه و سلم) گوسفندي را قرباني مي کرد و به بستگان خديجه هديه مي داد.

کلمه **هلكت** تعبير زشت و توهين آميزي است.

جالب این است که در کتاب **الإستيعاب في معرفة الأصحاب** ابن عبد البر که از کتاب های معتبر أهل سنت است و شرح حال صحابه را دارد، عایشه نقل می کند و می گوید:

كان رسول الله صلى الله عليه و سلم لا يكاد يخرج من البيت حتي يذكر خديجة فيحسن الثناء عليها.

پیامبر (صلي الله عليه و سلم) به خديجه علاقه شدیدی داشت و در هر فرصت مناسبی از او تعريف می کرد.

فذكرها يوما من الأيام، فأدرکتني الغيرة فقلت: هل كانت إلا عجوزا؟ فقد أبدلك الله خيرا منها. فغضب حتي إهتز مقدم شعره من الغضب ثم قال: لا والله! ما أبدلني الله خيرا منها! أمنت بي إذ كفر الناس و صدقتني إذ كذبني الناس و واستنني في مالها إذ حرمني الناس و رزقني الله منها أولادا إذ حرمني أولاد النساء.

روزي از خديجه سخن گفت و من به او حسادت ورزیدم و گفتم: آیا خديجه، غير از این که پيرزني باشد، چیز دیگری بود؟ خداوند من را که بهتر از او هستم، به جای او به تو داده است. پیامبر (صلي الله عليه و سلم) غضبناك شد، به طوري که موهاي جلوي سرش از شدت غضب تکان خورد و سپس فرمود: به خدا قسم! خداوند هرگز همسري بهتر از او را نصیب من نکرده است. روزي که مردم به من کفر می ورزیدند، او به من ایمان آورد و روزي که مردم مرا تکذیب می کردند، او مرا تصدیق می کرد و وقتي مردم مرا از همه حقوقم محروم کردند، او تمام اموالش را در اختیار من قرار داد و خداوند از میان زنانم، تنها خديجه را انتخاب کرد که اولادي نصیب من کند.

الإستيعاب في معرفة الأصحاب لابن عبد البر، ج 4، ص 1823 - أسد الغابة في معرفة الصحابة لابن الأثير الجزري، ج 5، ص 438 - الإصابة في تمييز الصحابة لابن حجر العسقلاني، ج 8، ص 103 - مسند احمد للإمام احمد بن حنبل، ج 6، ص 117 - البداية و النهاية لابن كثير، ج 3، ص 158

در صحیح مسلم آمده است:

خديجه غير از اين كه پيرزني بود كه دندان نداشت و جاي دندان هايش سفيد شده بود، چيز ديگري نبود.

جالب اين است كه آقاي ابن حجر عسقلاني در كتاب **الإصابة في تمييز الصحابة**، جلد 8، صفحه 103 مي گويد:

و قد أثنى النبي صلى الله عليه و سلم علي خديجة ما لم يثن علي غيرها.

پيامبر (صلي الله عليه و سلم) ثنائي كه در حق خديجه كرده است، در حق آحدي نكرده است.

* * * * *

آقاي كاشاني

آيا از طرف مراجع عظام تقليد، بيانيه اي راجع به سيل زدگان پاكستان صادر شده است؟

استاد حسيني قزويني

چند روز قبل بيانيه اي از طرف حضرت آيت ... العظمي مكارم شيرازي به ما ارسال شد كه ما هم ان شاء ... مفصل اين را در **شبكه جهاني ولايت** قرار مي دهيم و در اين بيانيه، از تمام مسلمانان جهان تقاضا كرده اند كه كمك كنند و منتظر كمك هاي دولت ها و مجامع بين المللي نشوند. الان اين سيل ويران گر، بيش از 20 ميليون انسان را آواره كرده است و 2 ميليون كودك هم مبتلا به بيماري وبا شده اند. ايشان هم اظهار داشتند كه ما هم 50 هزار دلار به مسلمانان پاكستان كمك كرده ايم و از همه مسلمانان درخواست كرده اند كه به آنها كمك كنند.

ديشب هم در دفتر حضرت آيت ... العظمي وحيد خراساني بودم و با تعدادي از مسئولين دفتر ايشان جلسه اي داشتيم كه گفتند خود حضرت آيت ... العظمي وحيد خراساني فرمودند كه تمام شيعيان و مسلمانان موظف هستند به سيل زدگان پاكستان كمك كنند. آقازاده ايشان هم گفتند كه نظر آقا بر اين است كه اين كمك ها به دست مردم برسد، نه به دست واسطه ها.

چند شب پیش هم جناب سید افتخار حسین نقوی از پاکستان به من زنگ زده بودند و می گفت در قسمت شیعه نشین ایالت سند و پنجاب، واقعاً سیل بیداد کرده است و بیش از 50 هزار خانه به طور کلی ویران شده است و مردم به فکر این نیستند که خانه برای شان ساخته شود، بلکه به فکر نان و قوت ضروری شان هستند و برای خوراک و پوشاک و دارو زجر می کشند. ایشان می گفت که در بعضی از مناطق سند و پنجاب، بعضی از روستاها که شیعه هستند، هیچ کمکی از طریق دولت و سازمان های بین المللی به آنجا نرسیده است.

جالب این است که همین امروز در بعضی از سایت ها می خواندم که **سخنگوی سازمان ملل متحد** رسماً اعلام کرده است که سیل اخیر پاکستان، از رویداد سونامی در شبه قاره هند و زلزله پاکستان در سال 2005 میلادی و زلزله هائیتی هم بدتر بوده است.

لذا ما بدین وسیله از همه دوستان در سراسر جهان که صدای بنده را می شنوند و صدای **یا للمسلمین** مسلمانان سیل زده پاکستان را می شنوند، تقاضای کمک به این عزیزان را داریم. جناب آقای نقوی می گفت کمک هایی که به دست ما می رسد تا به روستاها بدهیم، هم به شیعیان می دهیم و هم به اهل سنت و هیچ فرقی نمی گذاریم.

روایتی را از امام صادق (علیه السلام) برای بینندگان عزیز بخوانم که فرمود:

من أصبح لا يهتم بأمور المسلمين فليس بمسلم.

هر کسی که زندگی کند و توجهی به مشکلات مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست.

الكافي للشيخ الكليني، ج 2، ص 163 - وسائل الشيعة (چاپ آل البيت) للحر العاملي، ج 16، ص 336

هم چنین فرمود:

من سمع رجلا ينادي يا للمسلمين فلم يجه فليس بمسلم.

کسی که صدای مسلمانان را بشنود که از مسلمانان کمک می طلبد و به او کمک نکند، مسلمان نیست.

الكافي للشيخ الكليني، ج 2، ص 164 - وسائل الشيعة (چاپ آل البيت) للحر العاملي، ج 15، ص 141

هم چنین فرمود:

أيما مؤمن نفس عن مؤمن كربة، نفس الله عنه سبعين كربة من كرب الدنيا و كرب يوم القيامة.
هر مومني كه يك مشكل و گرفتاري را از مؤمني برطرف كند، خداوند هفتاد گرفتاري دنيوي و هفتاد گرفتاري آخروي او را برطرف مي كند.

وسائل الشيعة (چاپ آل البيت) للحر العاملي، ج 16، ص 371 - جامع أحاديث الشيعة للسيد البروجردي، ج 16، ص 136

برادران شيعه و سني ما در پاکستان، اين را با فرياد **يا للمسلمين** از همه ما كمك مي طلبند.
اگر هر كسي به اندازه وسعت خودش كمك كند و به همين اندازه، مشكلي از مشكلات برادران ديني ما در پاکستان حلّ كند، مشمول اين روايت مي شود.

آقا أمير المؤمنين (عليه السلام) هم در **نهج البلاغه** عبارتي دارد كه در **وسائل الشيعة، چاپ آل البيت** شيخ حرّ عاملي (ره)، **جلد 16، صفحه 373** نقل شده است:

من كفارات الذنوب العظام إغاثة الملهوف و التنفيس عن المكروب.

از كفاره گناهان بزرگ، به فرياد مردم رسيدن و آرام كردن مصيبت ديدهگان است.

ما كه در پرونده مان هزاران معصيت از غيبت و دروغ ثبت شده است، كمك به سيل زدگان پاکستان مي تواند كفاره گناهان مان باشد. كساني كه به دنبال بخشش گناهان در اين ماه رمضان هستند، اين روايت را مورد توجه داشته باشند.

هم چنین مرحوم شيخ حرّ عاملي (ره) از امام صادق (عليه السلام) نقل مي كند:

لئن أمشي في حاجة أخ لي مسلم أحب إلي من أن أعتق ألف نسمة و أحمل في سبيل الله علي ألف فرس مسرحة ملجمة.

اگر من براي برآوردن حاجت يا رفع گرفتاري يك برادر ديني قدم بردارم، براي من محبوب تر است از اين كه هزار بنده را در راه خدا آزاد كنم و هزار اسب زين شده تقديم جبهه جنگ حق عليه باطل كنم.

الكافي للشيخ الكليني، ج 2، ص 197 - وسائل الشيعة (چاپ آل البيت) للحر العاملي، ج

16، ص 369

روايتي را خدمت عزيزاني كه مقداري بي تفاوت هستند، تقديم مي كنم كه امام كاظم (عليه السلام) مي فرمايد:

من أتاه أخوه المؤمن في حاجة فإنما هي رحمة من الله تبارك و تعالي ساقها إليه، فان قبل ذلك فقد وصله بولايتنا و هو موصول بولاية الله و إن رده عن حاجته و هو يقدر علي قضائها سلب الله عليه شجاعا من نار ينهشه في قبره إلي يوم القيامة مغفورا له أو معذبا، فان عذره الطالب كان أسوا حالا.

هر كسي كه برادر مؤمنش براي حاجتي نزد او آيد، اين رحمتي است كه خدای تبارك و تعالي به سوي او كشانیده است. پس اگر آن را بپذيرد، به ولايت ما پيوستش داده و ولايت ما به ولايت خدا پيوسته است و اگر با وجود آن كه توانائي بر قضاء حاجت او دارد، او را ردّ كند، خدا در قبرش ماري از آتش بر او مسلط كند كه تا روز قيامت او را بگذرد؛ چه آن كه آمرزيده باشد يا معذب (گناه ديگري داشته يا نداشته باشد) و اگر كسي كه كمك خواسته است او را معذور دارد و از او راضي هم بشود، باز هم وضعش بدتر است.

الكافي للشيخ الكليني، ج 2، ص 196 - وسائل الشيعة (چاپ آل البيت) للحر العاملي، ج 16، ص 360

هم چنين امام صادق (عليه السلام) مي فرمايد:

و الله! لرسول الله (صلي الله عليه و آله) أسر بقضاء حاجة المؤمن إذا وصلت إليه من صاحب الحاجة.

به خدا قسم! هر كسي كه با رفع گرفتاري مؤمن، او را خوشحال كند، پیامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) بيشتري از آن مؤمني كه از او رفع گرفتاري شده است خوشحال مي شود.

الكافي للشيخ الكليني، ج 2، ص 195 - وسائل الشيعة (چاپ آل البيت) للحر العاملي، ج 16، ص 359

* * * * *

سؤالات بینندگان

سؤال 1 :

من تازه شیعه شده ام و چند کتاب از شما می خواستم که به ما معرفی کنید. بنده در بندرعباس هستم و در اینجا کتاب **الغدیر** نیست.

جواب 1 :

شما اگر با سایت **مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - www.valiasr-aj.com** مرتبط باشید و ایمیل بزنید، قطعاً منابع و کتاب هایی را به شما معرفی می کنند که بتوانید از طریق اینترنت هم دریافت کنید. ضمن این که این سایت، آمادگی پاسخ دادن به سؤالاتی که در ذهن شما هست را دارد.

* * * * *

سؤال 2 :

در خصوص **عشره مبشره** که مبنای فکری برادران اهل سنت را تشکیل داده است، در 9 نفر همه مشترك هستند که عبارت اند از: امیر المؤمنین (علیه السلام)، أبو بکر، عمر، عثمان، أبو عبیده جراح، طلحه، زبیر، عبد الرحمان بن عوف و سعید بن أبي وقاص. ولي در نفر دهم، عده ای می گویند سعید بن عاص است و عده ای می گویند سالم غلام یسار و عده ای هم سعد بن عمرو را مطرح کرده اند. واقعاً اگر این 10 نفر اهل بهشت هستند، چرا در میان اینها جنگ و درگیری و کشتار رخ داده است و جنگ جمل به پا شد که طلحه در آن کشته شد؟ نمی شود که قاتل و مقتول، هر دو بهشتی باشند! در این مورد هم توضیح بفرمایید.

جواب 2 :

ما قبلاً در این مورد توضیحاتی را داده ایم و عرض کردیم که خود حدیث **عشره مبشره** توهین به

صحابه است. چون این آقایان معتقدند که وقتی پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) از دنیا رفت، 120 هزار صحابه داشتند و معنای **عشره مبشره** این است که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فقط به 10 نفرشان بشارت بهشت را داده است و سایر اینها معلوم نیست که وارد بهشت شوند. آیا حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) جزء **عشره مبشره** هست؟ با این که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) درباره ایشان فرموده که **سيدة نساء أهل الجنة** است.

* * * * *

سؤال 3 (علاقي):

این مسائلي که امروزه طرح مي شود در شبکه هايي تحت عنوان دعوت و تبليغ، من اعتقاد دارم که این مسائل به این شکل قابل حلّ نیست و فقط مي تواند تأثیرات منفي داشته باشد و تحريك افکار عمومي است. به همین منظور من اعتقاد دارم که اگر این جلسات به صورت حضوري بود، بهتر بود. بر فرض مسئله نبیذ مطرح شده بود و یکی مي گفت به معني مشروبات الكلّي است. در کتاب **صحیح مسلم** چند روایت را خدمت تان عرض مي کنم و برخی گفته اند در خود کتب أهل سنت این به معني مشروبات الكلّي ذکر شده است. بنده تحقیق کرده ام که غیر از این ثابت شده است.

عن جابر بن عبد الله الأنصاري عن رسول الله صلي الله عليه و سلم: أنه نهى أن ينبذ الزبيب و التمر جميعا و نهى أن ينبذ البسر و الرطب.

جابر بن عبد الله انصاري از رسول الله (صلي الله عليه و سلم) نقل مي کند که آن پیامبر خدا نهی کرد که آب انگور و خرما با هم قاطی بشوند و نهی کرد

صحیح مسلم لمسلم النیشابوري، ج 6، ص 90

این که بعضي ها گفته اند نهی تحريمي است یا تنزيهي، بماند براي بحث کارشناسي.

باید این مسائل حضوری باشد و به صورت کارشناسی و خیلی دقیق مطرح شود و واقعاً این مشکلی را حلّ نمی کند و فقط جوّ عمومی را متشنج می کند و تضاد را بیشتر می کند.

عن أبي نضرة عن أبي سعيد: أن النبي صلى الله عليه و سلم نهى عن التمر و الزبيب.

پیامبر خدا نهی کرده از مخلوط شدن آب خرما و آب انگور.

صحیح مسلم لمسلم النیشابوری، ج 6، ص 90

در این حدیث هم نهی روی مسئله مخلوط کردن است.

عن أبي نضرة عن أبي سعيد قال: نهانا رسول الله صلى الله عليه و سلم أن نخلط بين الزبيب و التمر.

صحیح مسلم لمسلم النیشابوری، ج 6، ص 90

در جاهای دیگر هم مسئله نبیذ تعریف شده است و نبیذ به عنوان يك ماده الكلبي ذکر نشده است. نبیذ چیست؟

أي نقيع التمر غير مسكر. مادام كما تقدم في شرابي.

یعنی آبی که گرفته می شود بر فرض از آب انگور یا خرما، هم چنین که در کتاب شراب در ... روی این مسئله توضیح داده مادام که غیر مسکر باشد.

المراد بالنبیذ نقيع التمر و الزبيب و نحوهما من كل ثمر کالتین سیجوز شربهما ما لم یسکر.

تاج الأصول، ج 3، ص 145

روی تمام مسائل تاریخی، مثلاً در قرآن، آیه ای که ذکر می کنیم و می گوئیم:

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُ عُوْكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

سوره فتح / آیه 18

یکی می گوید این بخشی از مؤمنان است. من سؤال می کنم: آیا قرینه ای در این آیه هست که اثبات کند بخشی از مؤمنان را گرفته است؟ بایستی اثبات کنیم قرینه علمی باشد. و إلا تمامی

اینها می شود تفسیر نظری.

جواب 3 :

ظاهراً قبلاً یکی از دوستان شما، در برنامه ای که جناب آقای یزدانی بودند، اینها را مطرح کرد. آقای محیی الدین نووی که از استوانه های علمی اهل سنت است، وقتی نبیذ را معنی می کند، می گوید:

و أما النبذ فهو نجس؛ لأنه شراب، فيه شدة مطربة فكان نجسا كالخمر.

نبیذ نجس است؛ زیرا شراب است و

المجموع لمحيي الدين النووي، ج 2، ص 563

کتاب **المجموع** از کتاب های مشهور فقهی شافعی هاست و مانند **المبسوط** سرخسی و **المغنی** ابن قدامه است. این چیزی نیست که شیعه گفته باشد یا شیخ طوسی (ره) و علامه حلی (ره) و علامه مجلسی (ره) گفته باشند.

خود آقای ابن ابی شیبه که استاد آقای بخاری است، در کتاب **المصنف** که از کتاب های معتبر روایی اهل سنت است، در **جلد 6، صفحه 502** نقل می کند:

بلغني أن عمر بن الخطاب سائر رجلا في سفر و كان صائما، فلما أفطر أهوي إلي قرية لعمر معلقة فيها نبیذ قد خضخضها البعير، فشرب منها فسكر، فضربه عمر الحد، فقال له: إنما شربت من قربتك، فقال له عمر: إنما جلدناك لسكرك.

کسی آمد از آن نبیذ و قریه ای که جناب خلیفه دوم می خورد، خورد و مست شد. خلیفه دوم او را حد زد به خاطر خوردن نبیذ. آن مرد به عمر گفت: من از نبیذ تو خوردم. عمر گفت: من تو را به خاطر این شلاق زدم که مست شدی.

شما باید جواب این را آماده کنید.

بنده معمولاً این گونه مباحث را مطرح نمی کنم؛ چون نیازی به مطرح کردن این گونه قضایا نمی

بینم. در این چند سالی که بنده در ماهواره ها برنامه داشته ام، این موضوع را اصلاً مطرح نکردم. شما که آن روز روی خط آمدید، این موضوع را مطرح کردید و جناب آقای یزدانی هم مجبور شد جواب بدهد. آن شبکه هایی که این گونه مطالب را مطرح می کنند، ما با آنها موافق نیستیم. دیشب هم که در دفتر حضرت آیت ا... العظمی وحید خراسانی بودیم، گفتند که نظر آقا این است:

این مطالب لازم نیست مطرح شود. شما بیاید فضائل و ویژگی های امیر المؤمنین (علیه السلام) و أدله خلافت امیر المؤمنین (علیه السلام) را مطرح کنید تا مردم گمشده خودشان را پیدا کنند.

ادامه بحث (علاقه):

ففي النصوص جواز الإنتیاذ و شربه، ولو آیاما مادام حلوا. إلا إذا إشتد و تغير و سار مسكرا، فإنه یحرم، لأنه صار خمرا و من هذا ما یسمعه عندنا

در تمامی این نصوصی که ذکر شده و واژه نبیذ ذکر شده، اجازه انتیاذ و شرب و خوردن اینها در فقه أهل سنت داده شده است، ولو این که چند روزی گذاشته باشد، مادامی که خوردنی باشد. مگر زمانی که تغییر کرده باشد و تبدیل به مسکر شده باشد. در این صورت است که حرام می شود، زیرا تبدیل به خمر شده است. این از قبیل چیزهایی که در عصر ماست. این مسائلی که مانند آب انگور و ساندیس و آب آلبالو گرفته می شود، مادام که تبدیل به مسکر نشود و تغییر پیدا نکند، در این شرایط جایز است.

اگر بخواهیم دیالوگی باز شود، حواری باز شود، مناظره ای باز شود، ارتباطی بین امت اسلام، دوباره میدانی برای بحث و گفت و گو باز شود، این احتیاج است که اگر می خواهیم شخصیتی را بحث کنیم و نقد یك شخصیتی را بکنیم، بایستی به نفوس آدمیان نفوذ کنیم، به درون انسان ها نفوذ کنیم و شخصیت آنها را به صورت کلی ببینیم. یك مورد، قطعاً شخصیت انسان ها را به دست نمی دهد. من همیشه تکرار می کنم حیات عمر را، بر فرض بعد از وفات رسول الله (صلي الله عليه و سلم)، اگر کل حیات ایشان را در نظر بگیریم، اگر واقعاً انسان اعتقاد نداشته باشد، کسی که

انگیزه دینی نداشته باشد، در تمامی مراحل زندگی اش، در تمامی مناسبات و رفتارهای اجتماعی اش بروز و ظهور پیدا می کند. ما به صورت روانکاوی شخصیت انسان ها را مدّ نظر داشته باشیم. موقعی که اسرای بدر را آوردند، عمر بن خطاب به حضرت عباس، عموی پیامبر (صلی الله علیه و سلم) می فرماید:

ای عباس! اسلام بیاور. به خدا قسم! اسلام تو خیلی برای من مهم تر و بزرگ تر از اسلام خطاب، پدر من است. به خاطر این که تو عموی پیامبر (صلی الله علیه و سلم) هستی.

بین چقدر برایش مهم است ایمان عباس! به خاطر این که ایشان عموی پیامبر (صلی الله علیه و سلم) است.

من مناظره را بر این اساس اعتقاد دارم و اصول و عقیده بنده است که در کتب عقائد آمده و می فرماید که در چه شرایطی می توانیم کسی را تکفیر کنیم؟ می فرماید:

من ردّ حکم الكتاب من غير شبهة أو تأويل فقد كفر.

این را برای حاج آقا توضیح نمی دهم، برای خودم و امثالی مثل خودم توضیح می دهم. کسی که ردّ حکم قرآن را بکند و این هم بدون شبهه و تأویل باشد، مانند کسانی که منکر خدا و رسولش هستند، یا کسانی که ردّ يك حدیث صحیح می کنند، بدون شبهه و تأویل، کافر هستند. اینها تکفیر می شوند، نه اُمت اسلام که لا إله إلا الله می گویند. بعد هم ادامه می دهد و می فرماید:

من تأول حکم الكتاب لشبهة عارضة له یبین له صواب لیرجع إلیه و لکن من ردّ حکم الكتاب و السنة تأویلا لشبهة ... فمثل هذا لا یحکم بکفره إلا بعد قیام الحجة الشرعية علیها التي تدفع عنصر الجهل عنده.

کسی که تأویل کند حکم قرآن را، یعنی ردّ حکم قرآن را بکند بر اساس تأویل، به خاطر شبهه ای که بر او عارض شده است، برایش روشن و تبیین می شود، به خاطر برگشتن این شخص.

این مبانی فکری بنده است و بایستی با این نگاه، اُمت اسلامی به همدیگر نگاه کنند. مسائل اختلافی که واقعاً اگر مسئله حب و بغض ها سایه بر اذهان ما بکند، حب و بغض ها اجازه نمی دهند وقایع تاریخی را آن چنان که حقیقت تاریخ است، تحلیل بکنیم.

جواب:

او عباس نبود، بلکه حضرت أبو طالب (علیه السلام) بود.

بنده هم از ادب و متانت شما تشکر می کنم. ما هم دوست داریم عزیزان اهل سنتی که مانند جناب عالی مؤدب هستند و بوسه بر پیشانی شماها می زنیم و از حضور شما و نشستن با شما افتخار می کنیم و درب این **شبکه جهانی ولایت** به سوی امثال شماها باز است. حضرت عالی اگر قبلاً هماهنگی بفرمایید و شماره تلفن تان را به اتاق فرمان بدهید تا با شما برنامه و جلسه بگذاریم و مقداری شما صحبت کنید و مقداری هم بنده یا دیگر دوستان ما مانند جناب آقای یزدانی و أبو القاسمی صحبت کنند تا مطالب کنکاش شود و هم دوستان اهل سنت، مطالبی دست شان بیاید و هم دوستان شیعه، من کاملاً استقبال می کنم از این طور بحث ها. من تأثیرگذاری يك جلسه گفت و گوی دوستانه را از هزار جلسه يك طرفه بیشتر می دانم. اگر شما هم به قم تشریف بیاورید، قدم تان روی چشم ماست. اختلافات وجود دارد؛ چه میان فقهاء شیعه و چه میان فقهاء اهل سنت. این اختلافات نباید باعث شود که ما نسبت به همدیگر بدبین باشیم و بدگویی کنیم و ناسزا بگوییم. همان طوری که در روایت آمده است:

اختلاف اُمتی رحمة.

این روایت چه راست باشد و چه دروغ، این اختلافاتِ مبنايي هست که موجب می شود فقه و اقتصاد ما، مباحث اخلاقی و عقیدتی ما رشد کند و به کمال برسد و بالنده شود. من باز هم از حضرت عالی تقاضا می کنم که قبلاً هماهنگی بفرمایید و روی خط بیایید و ما برای شما وقت می گذاریم.

من هم با نظر شما موافق هستم و هر شخصيتي را بخواهيم بررسي كنيم، بايد تمام نقاط مثبت و منفي او را جدا جدا بررسي و جمع بندي كنيم. گلايه ما اين است كه بعضي از عزيزان اهل سنت نسبت به بعضي از صحابه، فقط نقاط مثبت را نگاه مي كنند و نقاط منفي و رواياتي كه در ذم آنها آمده را نگاه نمي كنند. بعضي از برادران شيعه ما هم فقط نقاط منفي را نگاه مي كنند. بنده شخصاً با هر دو روش مخالف هستم. مرحوم علامه اميني (ره) در **الغدیر، جلد 7،** ظاهراً **صفحه 176** نسبت به أبو بكر و عمر مي گويد كه اينها اين كارها و اين خدمات را كرده اند و در كنارش هم كارهاي نادرست را از روايات اهل سنت نسبت به أبو بكر و عمر مي گويد. اگر ما اين چنين منصفانه برخورد كنيم، قطعاً عزيزان اهل سنت ما هم لذت مي برند. من كاملاً به اين فرمايش حضرت عالي موافق هستم.

* * * * *

سؤال 4 :

بعضي شبكه ها هستند كه با خودشان صحبت مي كنند كه شيعيان اين طوري هستند و اين كارها را مي كنند. اين مناظرات و صحبت ها اگر رو در رو باشد، بهتر است. هر كسي كه مي خواهد براي خودش صحبت كند، مشكل است.

جواب 4 :

ما بارها عرض كرده ايم و به همين شبكه اي كه شما نام مي بريد، زنگ زدم و با مدير اين شبكه صحبت كردم و از ايشان درخواست كردم براي گفت و گوي علمي و مناظره، ولي مدير اين شبكه به هيچ وجه زير بار اين مسئله نرفت. الان هم بنده اعلام مي كنم عزيزان اهل سنتي كه با اين شبكه ارتباط دارند، سلام ما را به اين آقايمان برسانند و از قول ما بگويند كه **شبكه جهاني ولايت** به روي كارشناسان آنها باز است و اگر بخواهند به قم و استوديوي ما بيايند، ما آماده

هستیم و اگر می خواهند به صورت رله کردن **شبکه جهانی ولایت** با **شبکه نور** باشد، باز هم ما آمادگی داریم و اگر هم می خواهند به صورت تلفنی باشد، باز هم ما آمادگی کامل برای مناظره و گفت و گوی علمی داریم و هیچ قید و شرطی هم نداریم. غیر از آن قید و شرطی که در **شبکه جهانی ولایت** داریم که وارد بحث های سیاسی نمی شویم و مناظرات سیاسی هم نمی کنیم و در مناظرات هم نهایت ادب را نسبت به همدیگر رعایت می کنیم. هر کسی که این دو شاخصه را داشته باشد که وارد بحث سیاسی نشود و ادب را نسبت به طرف مقابل و معتقدات و باورهایش مراعات کند، ما شرط دیگری در مناظره نداریم.

* * * * *

سؤال 5 :

در مورد فرقه أهل حق یا علی اللہی ها توضیح خلاصه ای بفرمایید. چون شبهاتی در مورد این فرقه وجود دارد که نیاز به پاسخ هست؛ مانند ازدواج با آنها.

جواب 5 :

این موضوع را عزیزان زیادی در شبکه های مختلف هم سؤال کرده اند. اینها عده ای هستند از آقایان صوفی ها که خودشان را أهل حق می دانند و ریاضت هایی برای خودشان دارند. این شاء... اگر فرصت شود، نسبت به صوفی ها در يك جلسه مفصل صحبت خواهیم کرد. صوفی ها دسته های مختلفی دارند و تا آنجا که بنده اطلاع دارم، بیش از 70 فرقه صوفی وجود دارد؛ چه شیعه و چه سنی.

در رابطه با آقایان صوفی ها، اگر اینها به واجبات إلهی عمل کنند و نمازشان را بخوانند و روزه شان را بگیرند و منکر ضرورتی از ضروریات دین (مانند نماز و حج و زکات و خمس و روزه) نباشند، پاك هستند و هیچ اشکالی ندارند و برادران ما هستند و رفتن به خانه آنها و دعوت از آنها هیچ اشکالی

ندارد.

بعضی از صوفی ها به جای رفتن به مسجد، به خانقاه می روند و ما و مراجع عظام تقلید این را دارای اشکال می دانیم. ولی این اشکالی نیست که خدای ناکرده بگوئیم اینها از دین خارج شده اند. اینها محل عبادت شان را آنجا قرار داده اند و مسلمانان هم در مسجد. این يك اختلافی است که میان ما وجود دارد و مراجع عظام تقلید هم در این زمینه نظر داده اند. ولی من نظرم بر این است که این قضیه باعث نمی شود که حکم به طرد اینها بکنیم یا با آنها ازدواج نکنیم. ملاک برای ما این است که آقایانی که خودشان را اهل حق می دانند یا به علی الهی مشهور هستند، اگر ضرورتی از ضروریات دینی را انکار کنند یا - نستجیر بالله - نسبت به أمير المؤمنين (علیه السلام) ادعای ألوهیت کنند، قطعاً نجس و مرتد هستند و رفت و آمد با آنها حرام است و ازدواج با آنها حرام است. در غیر این صورت خیر، آنها پاک هستند و هیچ مشکلی ندارند.

بنده با تعدادی از آقایانی که مشهور به اهل حق هستند، در اطراف قزوین و کرمانشاه و صحنه، مراوده و صحبت های زیادی داشته ام و آنچه که اینها در جلساتی با خود بنده مطرح می کردند، می دیدم آنچه را که ما قبول داریم، آنها هم قبول داریم و برخی از آنها هم مقلد مراجع عظام تقلید هستند و وجوهات شرعیه شان را هم می دهند. اگر واقعاً این گونه باشند، این فقط اختلاف در اسم است. ولی اگر منکر ضرورتی از ضروریات دینی باشند، ما در آنجا تعارفی نداریم و حکم به إرتداد و نجاست شان می کنیم. اگر هم نسبت به أمير المؤمنين (علیه السلام) غلو کنند و ادعای ألوهیت بکنند، قطعاً نجس هستند و هیچ شك و شبهه ای در آن نیست.

* * * * *

سؤال 6 :

این که می گویند حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) 40 ساله بودند که با پیامبر اکرم (صلی

الله عليه و آله) ازدواج کرده اند، من در کتاب هاي ديگري ديده ام كه گفته اند 25 تا 28 سال داشته اند. در اين مورد توضيح بفرماييد.

جواب 6 :

آنچه كه مشهور است، حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) 40 سال داشتند و نبي مكرم (صلي الله عليه و آله) هم 25 سال.

بحار الأنوار للعلامة المجلسي، ج 16، ص 3

علامه مجلسي (ره) اقوال مختلفي را بيان کرده است و در **جلد 16، صفحه 12** هم مي فرمايند حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) 28 سال داشتند.

از علماء أهل سنت هم آقاي ذهبي در كتاب **سير أعلام النبلاء، جلد 2، صفحه 111** صراحت دارد كه حضرت خديجه كبري (سلام الله عليها) 28 ساله بود كه با نبي مكرم (صلي الله عليه و آله) كه 25 ساله بود، ازدواج كرد.

* * * * *

* * * * *

* * * * *

«و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته»»»»